

منهای فوتبال

حدادی، دلتنگ مسابقه



احسان حدادی قهرمان پرتاب دیسک آسیا که پس از ابتلا به ویروس کرونا شکست دادن این بیماری مدتی را در تهران حضور داشت و تمرین می کرد، این روزها خودش را به جزیره کیش رسانده و اردویی را در آنجا برپا کرده است. حدادی چند روزی است در آنجا به همراه ایگور، ماساژور روسی اش مشغول تمرین بوده و قرار است تا یک هفته دیگر به تهران بازگردد. مسابقه پیش روی او که دو ماه دیگر بر گزار خواهد شد، رقابت های ورلد چلنج مجارستان است و قرار است برای این رقابت ها آماده شود. دوومیدانی کار المپیکی ایران در مورد شرایطش عنوان داشت: «بعد از اینکه مدتی را به خاطر بیماری کرونا نتوانستم تمرین کنم در حال حاضر شرایط خوبی دارم و چند روزی است که برای برگزاری اردو به جزیره کیش آمدم. در این اردو به همراه ایگور ماساژورم حضور دارم و با مک ویلکنیز، مربی آمریکایی هم در تماس هستم.» وی گفت: «فعلا به خاطر شیوع کرونا در دنیا بر نامه خاصی وجود ندارد و رقابت ها تعطیل است. یک مسابقه ورلد چلنج دو ماه دیگر در مجارستان است و اگر لغو نشود در آن شرکت خواهم کرد.» قهرمان پرتاب دیسک آسیا در مورد انتخابات دوومیدانی تصریح کرد: «فعلا فدراسیون با سرپرستی اداره می شود و خبری از برگزاری مجمع نیست. امیدوارم هر وقت که شرایطش موجود بود، انتخابات را بر گزار کنند تا تکلیف ورزشکاران دوومیدانی هم مشخص شود.» حدادی در مورد حواشی به وجود آمده در مورد ماندن یکی از دوومیدانی کاران در بلاروس وعدم بازگشت وی، عنوان کرد: «به هر حال از این دست مسائل هم پیش می آید. باید به کسانی که برای دوومیدانی بر نامه بریزی می کنند، خسته نباشید گفت!» وی در مورد اینکه یادوست دارد در این شرایط مسابقه بر گزار شود، یا خیر، یادآور شد: «هر چه صلاح است باید همان اتفاق بیفتد. به شخصه خودم دلد برای رقابت تنگ شده، چون حدود هشت ماه است که در هیچ مسابقه ای شرکت نکرده ام.»

□ □ □

افتتاحیه المپیک کوچک می شود

مقامات برگزاری بازی های المپیک توکیو در حال مذاکره برای کم کردن عناصر مختلف به منظور کاهش هزینه ها هستند. یوریکو کوزیکه فرماندار توکیو پیش از این اعلام کرده بود مذاکرات در مورد تغییر بازی ها همچنان ادامه دارد. کوزیکه چند روز پیش بعد از این صحبت ها دیداری با یوشیرو موری رییس کمیته برگزاری بازی ها داشت. منابع خبری گزارش دادند آنها به توافق رسیده اند که راههای سادسازی المپیک را برای کم کردن هزینه های اضافی به خاطر تأخیر یک ساله در برگزاری این رویداد در نظر بگیرند. منابع در کمیته برگزاری بازی های المپیک اعلام کردند یکی از اقدامات مورد بحث کاهش تعداد ورزشکاران در مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازی هاست. پیشنهاد دیگر کاهش تعداد روزهای حمل مشعل المپیک است. شیوع ویروس کرونا باعث شد تا المپیک و پارالمپیک توکیو یک سال به تعویق بیفتد. گزارشات حاکی از این است تعویق بازی ها ۲٫۷ میلیارد دلار برای توکیو هزینه اضافی خواهد داشت.

□ □ □

سابر دغدغه آماده سازی ندارد

پیمان فخری سرمربی تیم ملی شمشیربازی سابر در مورد شرایط شمشیربازان عنوان داشت: «با توجه به اینکه هنوز ستاد ملی مبارزه با کرونا فعالیت رشته شمشیربازی را آزاد نکرده است، فعلا ما هم برنامه ای نداریم و فقط بچه ها کارهای بدنسازی خود را انجام می دهند تا در آمادگی بدنی باشند.» وی در مورد اینکه برخی می گویند فعالیت شمشیربازی هم باید آزاد شود، گفت: «اینطور نیست. در ست است که در شمشیربازی ورزشکاران با هم فاصله دارند، اما هنگامی که به یکدیگر ضربه می زنند، سینه به سینه می شوند و نفس شان به هم می خورد. این موضوعاتی که اعلام می شود برای آزادسازی یک رشته یا ممنوعیت فعالیت آن براساس تحقیق بین المللی بوده و به نظر من شمشیربازی هم جزورشته های پرریسک محسوب می شود. باتوجه به اینکه سهمیه را کسب کرده ایم، مشکلی برای آماده سازی نداریم. حدود ۱۳ ماه تا آغاز المپیک مانده و فرصت کافی برای برگزاری اردو وجود دارد.»

تراکتورسازی؛ ۱۱ سال پس از روز تاریخی صعود

به خودت باختی!

پس از تجربه تلخ سقوط از سطح اول فوتبال ایران، هشت سال طول کشید تا تراکتور بتواند دوباره خودش را به لیگ برتر برگرداند. آنها تلاش های نافر جام زبادی را پشت سر گذاشتند اما از این نبرد کنار نکشیدند. آنها حتی یک بار به پلی آف نیز رفتند اما شکست برابر شیرین فراز، شانس صعودشان را از بین برد. آنها مربیان زیادی را امتحان کردند و سرانجام با فراز کمالوند به لیگ برتر رسیدند اما آن چه در ۱۱ سال برای باشگاه تبریزی اتفاق افتاده، آنها را در معرض قضاوت های کاملاً متفاوتی با قضاوت های روز صعود قرار داده است.



آر بار هنوز در

تراکتورسازی؛ بخشی از جدول اولین دوره لیگ برتر بسودا مادر همان فصل، به دسته پایین تر رفت و سال ها در مسیر بازگشت به این لیگ، شکست خورد. آنها یک بار از یک قدمی صعودنیز برگشتند اما به لطف حضور گسترده هوادارها، بالاخره موفق شدند صعود را

سوژه روز

چرا چنین امتیازهای بزرگی به مربیان ایرانی نمی دهیم

قامتی که کوتاه شد!

آر باطاری

امیر قلعه نویی همیشه شاکی است و هیچ وقت دست از حرف زدن درباره دوران حضورش در تیم ملی بر نمی دارد. راستش وقتی رقم قرارداد او را با رقم و آشنی های قرارداد مارکو ویلموتس مقایسه می کنیم و وقتی به تفاوت بر خورد با نتایج او و نتایج کی روش در تیم ملی فکر می کنیم، کمی هم به این مربی حق می دهیم. البته که در فوتبال ایران، نوعی «استاندارد دوگانه» در برخورد با مربیان داخلی و خارجی وجود دارد اما هیچ کس از بیرون ماجرا، مربیان داخلی را «خراب» نکرده است. این خود مربیان داخلی هستند که با عملکرد بعضی از رفتار ها، اعتبار شان را به راحتی از دست دادند.

مارکو ویلموتس در شرایطی به تیم ملی اضافه شد که ایده جایگزینی کی روش با مربی داخلی در فوتبال ایران به شدت هر چه تمام تر سرکوب می شد. فدراسیونی ها می دانستند که در چنین جوی، هرگز نمی توانند به سراغ امضای قرارداد با یک مربی داخلی بروند. هواداران تیم ملی هم تصور می کردند حتی مربی شکست خورده تیم ملی بلژیک، از بهترین مربیان

ممکن کنند. تراکتورسازی بالاخره به لیگ برتر برگشت. با هیا هو ی گسترده، استادیوم های پر و تماشاگران پر شور. آنها به تنهایی می توانستند میانگین تماشاگر در یک فصل از لیگ برتر را افزایش بدهند. با این حال از همان ابتدا نیز، گاهی مسائل غیرفوتبالی در کنار مسائل فوتبالی به استادیوم یادگار راه پیدامی کرد. بخشی از هواداران تراکتور،

نیتی به جز فوتبال در سر داشتند و همین موضوع موجب شد آنها در گذر زمان با عادل فردوسی پور، علی دایی و بسیاری از چهره های آشنای دیگر فوتبال ایران، چالش های بزرگی را تجربه کنند. اساسا هواداران تراکتور از سوی مالکان ومردان باشگاه، دائم با این تصور روبه رو بودند که حق شان پایمال شده و همین موضوع موجب می شد که هر اشتباه

تراکتور نیز روبه رو شد. آنها با ژنرال، نایب قهرمانی لیگ برتر را تجربه کردند و همین تجربه، یک سال بعد با تونی اولویرا برای تبریزی ها تکرار شد. مردی که خیلی زود محبوبیت فوق العاده ای در تبریز به دست آورد. تونی بعد هادر چند مقطع دیگر نیز سرمربی تراکتور شد و ماجرای عجیب و غریب از دست دادن قهرمانی لیگ برتر در آخرین ثانیه ها را نیز با این باشگاه تجربه کرد. تنها قهرمانی این تیم در این دوران نیز با همین مربی پر تغالی در جام حذفی رقم خورد. به طور کلی تراکتور در این سال ها، هرگز ثبات چندانی از خودش نشان نداده است. آنها در این دوران ۱۱ ساله، سه بار نایب قهرمان لیگ برتر شده اند، دوباره فیнал حذفی رسیده اند و در پنج تجربه آسیایی نیز تنها یک بار از مرحله گروهی رد شده اند. عملکردی که با آرزوهای بزرگ هواداران باشگاه، تفاوت های زیادی دارد.

مسئاله اصلی مهم تراکتور در همه این سال ها، داستان مالکیت بوده است. مالکیت سپاه عاشورا در این باشگاه، این فرصت را به تراکتورسازی می داد تا از مهره های سرباز در ترکیب خودش استفاده کند. موقعیتی که در فوتبال ایران معمولاً تنها در اختیار باشگاه هایی مثل ملوان و فجر سیاسی بود. تراکتور حتی آنقدر قدرت داشت که سربازهای خودش را انتخاب کند و حتی برای بازیکنی مثل مهدی شریفی که باید در نیروی دریایی و باشگاه ملوان خدمت می کرد، تغییر محل خدمتی را رقم بزند. با حضور سربازهایی مثل یختیار رحمانی و سروش رفیعی، باشگاه تبریزی پر از ستاره شد اما این موضوع نه تنها کمکی به تراکتور نکرد، بلکه شور و اشتیاقی را از ترکیب تیم گرفت. هیچ کدام از سربازها، باتمام توان برای باشگاه بازی نمی کردند و اساسا با جان و دل، در خدمت تراکتور نبودند. زمان زیادی طول کشید تا تبریزی ها به این حقیقت بزرگ پی ببرند. حتی وقتی مالکیت تیم تغییر کرد و دوران سربازها به پایان رسید، اوضاع

قرار می گرفت. آ یا آن مربی توانست به کارش ادامه بدهد؟ برای یک لحظه تصور کنید امیر قلعه نویی روی نیمکت تیم ملی، بازویند کاپیتانی را از علی کریمی با سابقه بیشتر می گرفت و به جواد نکونام با سابقه کم تر می داد. آ یا او از صبح روز بعد می توانست برای تمرین دادن تیم به کمپ تیم ملی برود؟ یک لحظه خیال کنید علی کریمی در استودیوی تلویزیون مشغول افشاگری علیه محمد رضا ساکت و فدراسیون فوتبال بود اما افشین قطبی به عنوان سرمربی تیم ملی، در همان آنتن زنده او را «بزدل» خطاب می کرد. آ یا قطبی دیگر می توانست در این فوتبال نفس بکشد؟ مادر این سال هابین مربیان داخلی و خارجی، به شدت فرق گذاشته ایم اما این تنها گناه اهالی فوتبال نیست. این موضوع، نتیجه رفتار مربیان داخلی در گذر زمان است. مردانی که سپهر اعتماد را از مقابل خودشان برداشتند و به خارجی ها دادند.

هوادر تیم ملی، هنوز هم «مربی ایرانی» را دوست ندارد، چون از اعتراض همیشگی به داور به ستوه آمده است. چون خیلی از این مربیان وطنی، هنوز نتوانسته اند تمرین های تیم شان را «به روز» کنند. چون این مربیان داخلی معمولاً برای تیم باشگاهی شان وقت زیادی نمی گذارند. چون رقم قرارداد بعضی از آنها «۱۰ میلیارد تومان» است اما از آخرین قهرمانی شان در لیگ نزدیک به یک دهه می گذرد. مادر فوتبال مان یک اسطوره داریم که می تواند یکی از بزرگ ترین مربیان آسیا باشد اما ترجیح می دهد

تصمیم ممکن است، نباید هیچ درنگی در این

تصمیم داشته باشد. او باید تصمیمی را بگیرد که احساس می کند برایش کاملاً آماده است.» داستان کانر و سازمان یوآف. سی از سال ۲۰۰۸ آغاز شد. او که یک فرد کاملاً ناشناخته و بی پول بود، توانست زندگی اش را از این راه تغییر بدهد. کانر که آن سال ها در سبکوزن مسابقه می داد، در اولین مسابقه اش تنها هشت ثانیه پس از شروع نبرد، برنده شد و در زادگاهش به همه نشان داد که برای مبارزه ساخته شده است.

او بدون تردید «بهترین» فایتر تاریخ و حتی بهترین عضو تاریخ سازمان یوآف. سی به شمار نمی رود اما شاید هیچ مبارازی در همه این سال ها، به اندازه کانر جنجالی و خبرساز نبوده باشد. او اساسا یک چهره سرگرم کننده است و سازمانی مثل یوآف. سی، به این نوع سرگرمی نیاز خواهد

به طور کلی تراکتور در این سال ها، هرگز ثبات چندانی از خودش نشان نداده است. آنها در این دوران ۱۱ ساله، سه بار نایب قهرمان لیگ برتر شده اند، دو بار به فیнал حذفی رسیده اند و در پنج تجربه آسیایی نیز تنها یک بار از مرحله گروهی رد شده اند. عملکردی که با آرزوهای بزرگ هواداران باشگاه، تفاوت های زیادی دارد

برای قرمزهای تبریز ناامید کننده تر هم شد. با وجود هزینه های سنگین زنوزی و خرید ستاره های بزرگ و همچنین بستن گرانتی قیمت ترین تیم فوتبال ایران، آنها با هم تیم موفق به نظر نمی رسیدند. تیمی که هنوز هم در حسرت ایستادن روی سکوی اول لیگ برتر است.

تراکتورسازی می توانست «محبوب» بماند. می توانست تنها روی «فوتبال» تمرکز کند و بازار این دشمنی های بزرگ را به راه نیندازد. آنها اما کاری کردند که دیدارهای استقلال و پرسپولیس در تبریز، بیشتر از فوتبال به نبردهای جنگی شباهت پیدا کنند. آنها هیچ وقت از زست اعتراض جدا نمی شوند. همیشه معتقدند که مورد ظلم قرار گرفته اند و دائماً علیه همه ارکان فوتبال ایران شعار می دهند. با این همه بی میلی، اصلاً معلوم نیست که آنها چرا و آنها در کنار همه مسائل دیگر، حالا سردمدار ایده تعطیلی لیگ هم هستند. یک نقطه منفی بزرگ که قرار بود نماد شور و اشتیاق فوتبالی در ایران باشد اما حالا به نماد مخالفت با همه چیز تبدیل شده است. باشگاهی که می توانست تیم اول یادوم همه ایرانی ها باشد اما افراط را با خودش به فضای فوتبال آورد.

در تیم های بی هوادر کار کند و هرگز پایش را از «تهران» بیرون نگذارد. یک مربی دیگر هم داریم که به لحاظ فنی، قابلیت های فوق العاده ای دارد اما آنقدر پایش به کمیته انضباطی و اخلاق رسیده و آنقدر قدم نادرست برداشته که حالا دیگر به زور در «لیگ یک» هم راه داده می شود. یک مربی دیگر هم داریم که سال ها بسیار محبوب بوده اما تنها رقم قرار دادش را از تقاداده و هرگز خودش را با استانداردهای روز فوتبال دنیا هماهنگ نکرده است. اگر این افراد کمی و فقط کمی بیشتر انگیزه داشتند، اگر این افراد کمی بیشتر برای موقعیت شان ارزش قائل بودند و اگر قدر خودشان را بیشتر می دانستند، در این شرایط سخت بازار ارز ناچار نبودیم برای مربیان خارجی فرش قرمز پهن کنیم. ناچار هم نبودیم اجازه بدهیم تا کانون تجاری و فرهنگی ایران وهلند، به ما سرمربی معرفی کند.

باید پذیریم که مشکل اصلی، بیرون از فوتبال ایران نیست. اگر مربیان وطنی کمی بیشتر کار کنند، کمی بیشتر انگیزه داشته باشند، رقم قرار دادشان را کمی پایین بیاورند و از حواشی همیشگی فاصله بگیرند، اگر مربیان وطنی وقت مصیبات در کنفرانس مطبوعاتی هر حرفی را به زبان نیاورند، فوتبال به چنین سرنوشتی دچار نمی شود که این چنین جلوی مربیان خارجی دست دراز کند و هر شرطی را در قراردادشان بپذیرد. حالا بهترین فرصت است تا مربیان داخلی، دوباره اعتماد اهالی فوتبال را به دست بیاورند. این فرصت دیگر نباید به هیچ قیمتی از دست برود.

جوزف دافی، نیت دیاز و خیب نور مامگدوف،

تنها ستاره هایی هستند که موفق به شکست کانر شده اند. مبارزه کانر با خیبب، یکی از جنجالی ترین نبردهای تاریخ یوآف. سی به شمار می رود. او همچنین یک مسابقه بوکس حرفه ای را نیز با فلوید می ودر بر گزار کرده است. نبردی که البته، به شکست مک گرگور انجامید اما اعتبار زیادی برای او به وجود آورد. پس از آخرین بازنشستگی، کانر دوباره به رینگ برگشت و تنها در ۴۰ ثانیه، دونالد کارون را شکست داد. او با این پیروزی، اولین ستاره تاریخ یوآف. سی شد که در سه وزن مختلف حریف راناک اوت کرده است. او همچنین در دو وزن مختلف، کمر بند قهرمانی دارد. صاحب قدم های آهنین در زمین مبارزه، حالا دیگر در رینگ دیده نخواهد شد. با این وجود جنجال های کانر، تمام شدنی به نظر می رسند.

